

ناسازگاری های عرفان حلقه با قرآن

در عرفان حلقه، تعدادی از آیات قرآن به کار رفته و از نظر معنایی سرنوشت دردناکی پیدا کرده اند، آیاتی که از معنای اصلی تهی ده و به بهانه‌ی شهود و درک عملی، معانی دیگری بر آن‌ها تحمیل شده است.



در عرفان حلقه، تعدادی از آیات قرآن به کار رفته و از نظر معنایی سرنوشت دردناکی پیدا کرده اند، آیاتی که از معنای اصلی تهی ده و به بهانه‌ی شهود و درک عملی، معانی دیگری بر آن‌ها تحمیل شده است. عرفان حلقه‌ی کیهانی در آموزه‌های خود مقابل قرآن کریم می‌ایستد و نمونه‌های بسیار این موضوع در کتاب‌های 171#& عرفان کیهانی و انسان از منظر دیگری» به چشم می‌خورد که در این باره به بحث عدم شناخت خداوند، می‌توان اشاره کرد. در اصل ۵۹ اساس‌نامه‌ی عرفان کیهانی آمده است: 171#& انسان نمی‌تواند عاشق خدا شود، زیرا انسان از هیچ طریقی قادر به فهم او نیست و در حقیقت خدا عاشق انسان می‌شود و انسان معشوق می‌باشد و مشمول عشق الهی و انسان می‌تواند فقط عاشق تجلیات الهی، یعنی مظاهر جهان هستی، شود و پس از این مرحله است که مشمول عشق الهی می‌گردد. (1)

و عدم شناخت خداوند، به صراحت با قرآن و کلام ائمه‌ی طاهرین (صلوات الله علیهم اجمعین) مخالف است. از یک طرف قرآن کریم دستور به تدبر و تأمل در آیات خود را می‌دهد به گونه‌ای که در ۴۷ مورد دستور تعقل، ۱۸ مورد دستور تفکر و ۴ مورد دستور تدبر داده است و از طرفی دیگر متکفل بیان اوصاف و اسمای الهی است، برای نمونه: هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِيمُنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. [2] 171#& او خدایی است که معبودی جز او نیست، از پنهان و آشکار آگاه است و او رحمان و رحیم است. او خدایی است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اصلی او است، از هر عیب منزّه است، به کسی ستم نمی‌کند، به مؤمنان امنیت می‌بخشد و مراقب همه چیز است، او قدرتمندی است شکست‌ناپذیر که با اراده‌ی نافذ خود هر امری را اصلاح می‌کند، او شایسته‌ی بزرگی است. خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می‌دهند. » ضمن آن که عقل نیز این صفات را برای خداوند اثبات می‌کند، به عنوان مثال ادله‌ی عقلی اثبات اقسام توحید - از آن رو که به اثبات دسته‌ای از صفات سلبی یا ثبوتی خداوند باز می‌گردد -، نمونه‌ای از به کار بستن روش عقلی برای اثبات اوصاف الهی است. خواجه نصیر الدین طوسی در 171#& تجرید الاعتقاد»

از همین روش برای اثبات تفصیلی قسمتی از اوصاف ثبوتی و سلبی خداوند، استفاده می‌کند. (3)

امیرمؤمنان (صلوات الله علیه) در نهج‌البلاغه نیز می‌فرماید: 171#& لَمْ يُطْلِعِ الْعُقُولَ عَلَى تَحْدِيدِ صِفَتِهِ وَ لَمْ يَحْجُبْهَا عَنْ وَاجِبِ مَعْرِفَتِهِ». عقول و خردها را بر کنه صفاتش آگاه نساخت و (با این حال) آن‌ها را از مقدار لازم معرفت و شناخت باز نداشته است. [4] یعنی درست است که عقول توانایی تحدید صفات الهی را ندارند، اما این‌طور هم نیست که اصلاً به واسطه‌ی عقلش شناخته نشوند. نویسنده در همان اصل ۵۹ می‌گوید: 171#& انسان نمی‌تواند عاشق خدا شود، زیرا انسان از هیچ طریقی قادر به فهم او نیست و در حقیقت خدا عاشق انسان می‌شود و انسان معشوق می‌باشد و مشمول عشق الهی. (5)»

عشق به معنای محبت شدید است. چگونه نمی‌توان عاشق خدا شد. این مطلب با آیات قرآن سازگاری ندارد. 171#& يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ... (6)»

171#& ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر کس از شما از آیین خود بازگردد (به خدا زبانی نمی‌رساند) خداوند در آینده جمعیتی را می‌آورد، که آن‌ها را دوست دارد و آن‌ها (نیز) او را دوست دارند....» آیه صریح‌تر می‌فرماید: 171#& ..وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ... (7)»

آن‌ها که ایمان دارند، عشق‌شان به خدا (از مشرکان نسبت به معبودهاشان) شدیدتر است. فهم نادرست و درست استفاده نکردن از آیات قرآن در عرفان حلقه، تعدادی از آیات قرآن به کار رفته و از نظر معنایی سرنوشت دردناکی پیدا کرده اند. آیاتی که از معنای اصلی تهی شده و به بهانه‌ی شهود و درک عملی، معانی دیگری بر آن‌ها تحمیل شده است. برای نمونه به دو آیه از متن اساس‌نامه، به قلم 171#& طاهری» و 171#& پیرزاده» و دو آیه از شرح 171#& منصوری لاریجانی» اشاره می‌کنیم. طاهری، می‌نویسد: 171#& دو نوع کلی اتصال به شبکه‌ی شعور کیهانی وجود دارد: الف) راه‌های فردی (ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ): راه فردی راهی است که هیچ‌گونه تعریفی نداشته و در آن، شخص به واسطه‌ی اشتیاق بیش از حد خود، به شبکه‌ی شعور کیهانی اتصال پیدا نموده باشد. برای این‌گونه اتصال، وجود اشتیاق زایدالوصفی نیاز است. ب) راه جمعی (وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا): راه جمعی راهی است که در آن فرد در حلقه‌ی وحدت قرار می‌گیرد. این حلقه، مطابق شکل، ۳ عضو دارد: شعور کیهان، فرد متصل کننده و فرد متصل شونده. با تشکیل حلقه، بلافاصله فیض الهی در آن به جریان افتاده، انجام کارهای مورد نظر در چارچوب این عرفان با تشکیل حلقه‌های

مختلف تحقق می‌پذیرد. برای وارد شدن به این حلقه‌ها، وجود ۳ عضو - شبکه‌ی شعور کیهانی، فرد متصل کننده و فرد متصل شونده - کافی است. در این صورت عضو چهارم الله خواهد بود. (عرفان کیهانی، ص ۸۲ و ۸۳) آیه‌ای که طاهری راه ارتباط فردی را از آن استناد می‌کند، به طور کامل این است: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»؛ ۱۷۱؛ و پروردگارتان گفت مرا بخوانید و از من بخواهید تا پاسخ شما را بدهم قطعاً کسانی که از عبادت من استکبار می‌ورزند به زودی به دوزخ وارد خواهند شد. (غافر/۶۰) چگونه از این آیه راه فردی فهمیده می‌شود. گذشته از این که خطاب خداوند به جمع است، آیا اشکالی دارد که گروهی با هم جمع شوند و یک دل و یک صدا دعا کنند؟ اشتیاق زایدالوصف از کجای آیه بر می‌آید؟ با توجه به این که در این آیه‌ی شریفه دعا کردن در برابر استکبار ورزیدن قرار گرفته، معلوم می‌شود که همین دعا‌های معمولی که بندگان معمولی خدا انجام می‌دهند و در برابر خداوند خود را نیازمند و ضعیف می‌دانند، منظور است. بریده بریده کردن آیات، زمینه‌ساز به هم ریختگی معنایی و در نتیجه تحریف معنوی آیات قرآن کریم است که از این راه چیزی به غیر از تفسیر به رأی و تحمیل پیش فرض‌ها بر کلام خداوند حاصل نمی‌شود. آیه‌ای که برای مستند کردن ارتباط جمعی و حلقوی به قرآن استفاده شده نیز سرنوشت تحریف‌آمیز آیه‌ی پیش را پیدا کرده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا»؛ ۱۷۱؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوا بورزید آن‌طور که شایسته‌ی تقوای الهی است و از دینا نروید مگر این که مسلمان باشید و همگی به ریسمان خدا بگریید و متفرق نشوید. (آل عمران/۱۰۲ و ۱۰۳) دعوت خداوند به اعتصام و گرفتن ریسمان الهی، اول؛ که به اهل ایمان اعلام شده و دوم؛ پیش از آن به تقوا آن هم تقوایی شایسته‌ی خداوند امر فرموده است. در حالی که این دو رکن در پیوستن به حلقه‌های عرفان حلقه هیچ معنا و کارکردی نداشته و زاید تصور می‌شود. پس بدون شک اگر دست گرفتن به حبل الله حلقه‌ای را شکل دهد این حلقه‌ی اهل ایمان و تقواست که با عرفان حلقه بسیار بسیار متفاوت است. این حلقه‌ای است که اهل الله گرداگرد حبل الله شکل می‌دهند، اما حلقه‌های عرفان حلقه ... اگر شعور کیهانی حبل الله باشد، با حضور متصل کننده و متصل شونده در واقع ما دو نفر داریم و این‌جا جمع تشکیل نشده و تثبیه اتفاق می‌افتد. از همه جالب‌تر این که خداوند هم جز دست گیران حبل الله معرفی شده و از اعضای حلقه به شمار می‌آید، در حالی که او فراتر از کثرتی است که به شمار آید و در کنار ما جمع شمرده شود. «وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ»؛ (بروج/۲۰) آیاتی که می‌فرماید: «اگر ۳ نفر با هم نجوا کنند، خداوند چهارمین است.» (مجادله/۷) از باب شمارش نیست، بلکه این آیه از متشابهات قرآن است و باید با محکمت فهمیده شود و منظور از آن این است که «لَمْ تَرَأَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»؛ ۱۷۱؛ آیا نمی‌بینید که خداوند همه چیز را در آسمان‌ها و زمین می‌داند. (مجادله/۷) «لَمْ يَلَمْ يَلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»؛ ۱۷۱؛ آیا نمی‌دانید که خداوند شما را می‌بیند. (علق/۱۴)

به هر روی نمی‌توان با استناد به یک آیه‌ی متشابه، تحریفات معنوی آیه‌ای مثل «واعتصموا بحبل الله»؛ را توجیه کرد. گذشته از متن اساس‌نامه به قلم طاهری که چندان با علوم قرآنی آشنا نیست، استفاده‌های منصوری لاریجانی در شرح اساس‌نامه نیز بسیار سؤال برانگیز است. به عنوان مثال ایشان در شرح اصلی که اتصالات و حفاظ‌های حلقه‌های شعور کیهانی و تفویض آن‌ها از سوی مرکزیت را بیان می‌کند، نوشته‌اند: «شرط ورود همه به این حلقه، تسلیم است.» ۱۷۱؛ «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَتُونَ»؛ «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»؛ (شعراء/۸۸ و ۸۹)

۱۷۱؛ «روزی که مال و فرزند سود نبخشند؛ مگر آن کسی که با دل پاک و تسلیم شده به درگاه خدا آید.» (عرفان کیهانی، ص ۸۰ و ۸۱) تسلیم بدون ایمان و پاکی در عرفان حلقه و گرفتن تفویض از مرکزیت عرفان حلقه در دوره‌های آموزشی با روز قیامت که تنها با قلب سلیم می‌توان به پیشگاه خداوند رسید، تطبیق داده شده است! در مورد دیگری منصوری لاریجانی نظر طاهری را در مورد زیربنایی بودن شعور کیهانی و روبنا و بی‌اهمیت بودن ایمان و اعتقادات، با آیه‌ای شرح داده که اساساً در ارتباط با ایمان، اعتقاد به خداوند و یگانگی اوست: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ (آل عمران/۶۴) بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی کلمه‌ی حق که میان من و شما یکسان است. (و آن این‌که) به جز خدای یکتا هیچ‌کس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم و برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. پس اگر آن‌ها از حق روی گردانند، بگویید «۱۷۱؛ شما گواه باشید که تسلیم فرمان خداوندیم.» (عرفان کیهانی، ص ۷۲)

اول؛ این که خطاب آیه به اهل کتاب است که اهل ایمان هستند، در حالی که عرفان کیهانی خود را بیرون از دین و بی‌قید نسبت به ایمان و اعتقادات مطرح می‌کند. دیگر این که کلمه‌ای که پیامبر مأمور است اهل کتاب را به سوی آن فرا بخواند، توحید و پرهیز از شرک است، نه شعور کیهانی که در عرفان حلقه کوشش می‌شود به جای خداوند منشأ اثر در عالم معرفی شود. رهبران فرقه‌ی حلقه در پاسخ به اشکالاتی که در سو استفاده از آیات قرآنی به آن‌ها وارد شده، گفته‌اند، «۱۷۱؛ تحقق عملی آیه در درک حلقه‌های رحمت عام شبکه‌ی هوشمند الهی نیاز به تفسیر به رأی را بر طرف نموده و هزاران نفر کشف رمز و انطباق این آیه‌ی شریفه را در حلقه‌ی وحدت با پژوهش خود و برخورداری از فیوضات مرتبط شهادت داده‌اند.» (نتیجه امواج تهاجم، ص ۴۹) یعنی هر کس که فیوضات به او تفویض شود و به درک حلقه‌های شبکه‌ی هوشمندی کیهانی نایل گردد، هرچه بخواهد می‌تواند به آیات قرآن نسبت دهد و اگرچه با ظاهر آیات ناسازگار باشد، درست است و تفسیر به رأی نیست. سؤال اساسی که در این‌جا مطرح می‌گردد این است که دقیقاً روش فهم و تفسیر کلام خداوند از دیدگاه عرفان حلقه چیست؟ آیا هر کسی تجارب ذهنی خود را بدون ملاحظه‌ی مفاد و

مآخذ :

۱. مهندس محمدعلی طاهری، عرفان کیهانی(حلقه)، ص ۱۲۴/

۲. حشر، ۲۲ و ۲۳/

۳. علامه‌ی حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم، انتشارات مصطفوی، صص ۳۱۴-۳۲۶

۴. سید رضی، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، مؤسسه‌ی دارالهجره، قم، خطبه‌ی ۴۹، ص ۸۸/

۵. عرفان کیهانی(حلقه)، ص ۱۲۴/

۶. جمیل صلیبا، المعجم الفلسفی، ج ۲، ص ۷۴/ محی‌الدین ابن عربی، الفتوحات (۴ جلدی)، جلد ۲، ص ۳۲۳ : هو إفراط المحبة و کنی عنه فی القرآن بشدة الحبه یقوله «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ. عشق یعنی زیادگی محبت و در قرآن با تعبیر شدت محبت از آن یاد شده است در آیه: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ. [۷]. بقره ۱۶۵